

## پروفسور عابدی و تحقیق

محسن علی\*

در عصر حاضر که فن و تکنیک و سهولت صنعت چاپ و انبوه کتب در زمینه‌های مختلف علمی و ادبی بشر را از فشار ناشی از تحقیق و تفحص باز داشته، اگر فردی یافت می‌شود که سختی سفر را بر خود هموار ساخته، شهرها و روستاها را بخاطر موضوعی تحقیقی پشت سر می‌نهد و یا روزها و ماه‌ها را در کتابخانه‌ها سپاهی و غبار کتاب خورده، موضوعی را تحقیق و تفحص می‌کند، باید چنین کسی را قدر نهاده از او به‌نیکی فراوان یاد کرد. چون چنین چیزی در روزگار ما واقعاً جزو استثناها است زیرا این موضوع از چند جهت برای ما حایز اهمیت به‌شمار می‌رود:

۱. عصر نوین و امکانات پیشرفته آن قدر ما را بخود پیچیده که کمتر وقت تحقیق و مطالعه را بخود می‌یابیم. این مساله به‌حدی در زندگی ما اثر نهاده، گاه افسوس می‌خوریم که واقعاً زندگی کوتاه است و آرزوهای ما به‌مراتب فراتر از آن. به‌خاطر همین است که اغلب می‌شنویم، ساعات به‌دقیقه، روزها به‌ساعت، هفته‌ها به‌روز، ماه‌ها به‌هفته و سالها به‌ماه بدل شده است و زمان واقعاً سریع از بر ما می‌گذرد. این است که حتی فرصت حساب دقیق هفته، روز و ماه را هم گاه از کف می‌دهیم. وقتی انسان امروز اینهمه گرفتار مادّیات و رفاه ناشی از زندگی امروزی است، کجا فرصتی برای مطالعه و تحقیق برای او باقی می‌گذارد.
۲. پیشرفت و اعتلای بشر در عرصه فن و تکنیک باعث شده، تا ما امروز کمتر نیاز به تحقیق و تتبع به‌گونه فزینیکی آن داشته باشیم. چون هر آنچه را بدان نیازمند

---

\* استادیار بخش فارسی، جامعه ملّیه اسلامیّه، دهلی نو.

هستیم، پخته و آماده می‌توانیم از طریق امکانات پیشرفته امروزی چون انترنت، رادیو، تلویزیون، جراید، روزنامه‌ها و کتب چاپی ارزان قیمت بدست بیاوریم که اینها خود رنج و فشارناشی از تحقیق و مراجعه به منابع اصلی را از ما گرفته بیشتر مارا به موجوداتی طفیلی و استراحت طلب بدل می‌سازد.

۳. وجود انبوه و میلیونی کتب و چاپ و نشر سریع آن با قیمتی کم، زمینه دسترسی ما را به کتب مختلف آماده ساخته، ما را بی‌نیاز از سفر و مراجعه به کتابخانه‌های دور و نزدیک می‌سازد. این خود باعث می‌شود، در صورت نیاز موضوعات را پخته و آماده از کتب قابل دسترس نقل نموده، به آسانی مشکل خود را حل نماییم. بنابر دلایل فوق و علل و عواملی دیگر، در شرایط کنونی ما کمتر خود را نیازمند به مراجعه به منابع اصلی، اصیل و معتبر دانسته، که رنج و تحمل ناشی از سفر به این یا آن شهر و یا فلان کتابخانه شخصی و عمومی از ما گرفته است. اگر در جایگاه یک استاد و دانشجوی ادبیات قرار داریم، به آنچه در اختیار داریم اکتفا می‌کنیم و احساس می‌کنیم که منابع موجود در ارتباط به موضوعات مورد علاقه و یا شامل کار ما، کفاف نیازمندی‌های ما را نموده، دیگر ضرورتی به مراجعه به کتابخانه‌ها، موزه‌ها، نسخ خطی و مراکز تحقیقی نداریم. مثلاً همین امروز کمتر استاد ادبیات و دانشجوی این بخش خود را نیازمند به تحقیق، تتبع و تفحص در مورد اصالت و واقعی بودن آثار کلاسیک فارسی چون، خواجه عبدالله انصاری، فردوسی، رودکی، مولانا، عطار، سنایی، حافظ، سعدی، امیر خسرو، بیدل و دیگران می‌دانند. چون گمان می‌شود، همین که آثار بزرگان فوق چاپ شده، آنهم به قطع‌های مختلف و اغلب زیبا، دیگر کار تمام شده است و آنچه منسوب به این بزرگان هست، کاملاً اصیل و درست بوده و دیگر نیازی به تحقیق و تفحص درباره اصالت و یا عدم اصالت این آثار نیست. چنان می‌پنداریم که کار به گونه‌ای اتم و اکمل از جانب بزرگان و گذشتگان انجام یافته، دیگر ضرورتی نیست که ما در این زمینه تفحصی را انجام دهیم. درحالی‌که فراموش کرده‌ایم که همین اکنون صدها سؤال در بسیاری آثار منسوب به بزرگان هنر، ادب، فلسفه، شعر، حکمت، منطق و غیره در زبان و ادب ما وجود دارد، که به صورت لاینحل باقیمانده، و اغلب راه حل هم داشته که می‌شود با تحقیق و تفحص دقیق مشکل را حل کرد و با زحمت و مسوولیت پذیری

به‌بیشتر این سؤال‌ها پاسخ گفت و خلاهای موجود را برطرف کرد. ولی از آنجا که ما نسلی استراحت‌جو، پرورش یافته‌ایم کمتر خود را نیازمند به تحقیق پیرامون آثار می‌دانیم. با بهانه‌های مختلف و متفاوت و تحت نام اینکه اینکار قبلاً انجام یافته، خود را از زیر بار مسوولیت تعهد و وظایف‌مان تبرئه می‌کنیم.

در چنین وضعیتی، عصر و فضای، انسانی مسوولیت‌پذیر و پاک چون امیر حسن عابدی نزدیک به هفت دهه از عمرش را صرف تحقیق و تتبع در عرصه ادبیات فارسی می‌کند آنهم در سرزمینی که زبان فارسی نه متکلمی دارد و نه هم نان نوایی به‌گوینده آن. طبعاً امیر حسن عابدی در این زمینه نه ممدوحی داشته که زر و سیم نثار او کند و نه سفارشی از این شاه، امیر و وزیر تا با دلخوشی به رسیدن به زر و سیم دست به‌کاری عظیم و پرمایه بزند. آنچه باعث می‌شد امیر حسن عابدی با تواضع و فروتنی تمام، همه این مدت را سر روی زانوی فقر نهاده، با بدنی ضعیف و ناتوان و شکمی گرسنه همراه با شکایات خانواده و عیال، شب و روز را در لابلای کتاب‌ها و نسخ خطی کهن و با موریانه و گرد و غبار آنها بگذراند، فقط و فقط عشق پاک و بی‌آلایش به زبان و ادب فارسی می‌تواند مایه چنین انگیزه باشد نه چیزی دیگر. چون هیچ امید و آرزویی به‌خاطر دست یافتن به منابع مادی و زر و سیم از این‌گونه تتبع و تحقیق پیشروی او نبوده است. چنانچه زندگی فقیرانه و تهی از همه چیز او طی نه دهه حیات علمی و معنوی او بیانگر همین امر است. امروز که او روی در نقاب خاک کشیده، ما هیچ چیز قابل توجهی به‌جز آثار علمی وی از او سراغ نداریم که خانواده او بدان دلخوش نموده، از مزایای مادی آن سودی ببرند. آنچه از امیر حسن عابدی برای خانواده، دوستان و ارادتمندانش باقیمانده، انبوهی از مقالات اعم از فارسی، اردو، انگلیسی و هندی است که یا به‌گونه چاپی و یا هم به‌صورت دست‌نوشته روی رف‌های خانه محقرانه او باقیمانده است و نیز مجموعه‌ای از کتاب‌های او که با کمک دیگران طی شش دهه از حیات او به‌چاپ رسیده است.

امیر حسن عابدی جزو محققان پسین این سلسله در شبه قاره به‌شمار می‌رود او با کار ممتد و شبانه‌روزی یکی از پرکارترین محققان هندی در زمینه تحقیق و پژوهش در مسائل علمی و ادبی مربوط به زبان و ادب فارسی است.

امیر حسن عابدی همواره در همایش‌های ملی و بین‌المللی در محضر اساتید و دانشجویان این حرف را تکرار می‌نمود که "امروزه اهل تحقیق و محقق بی‌نهایت کم ولی منتقد فراوان هست". البته منتقد از نظر عابدی همان کسانی هستند که اغلب به جای انتقاد اصولی به عیبجویی می‌پردازند. چیزی که مسیر نقد سالم و حقیقی را از آن جدا می‌سازد. لذا همواره به مخاطبین خود توصیه می‌نمود که بیشتر اهل تحقیق باشند تا تنقید. چیزی که خود امیر حسن عابدی با دقت، وسواس و باریک بینی اغب بدان می‌پرداخت. او برای تحقیق موضوعی حاضر بود شهرها و روستاها را پشت سر نهاده، ساعتها و روزها را سپری نماید تا به هدف غایی دست یافته به اقناع خویش پرداخته باشد. مدلل شدن موضوع برای امیر حسن عابدی جهت صحت و سقم مطلب مورد نظر برایش از اهم مسائل به‌شمار می‌رود و این چیزی است که از امیر حسن عابدی محقق پرکار، صبور، دقیق و باریک‌بین می‌سازد. گاه او در ارتباط به موضوعی چنان دقت و باریک‌بینی به خرج می‌دهد که ما را به تعجب وادار می‌دارد که او چقدر با حوصله این کار را انجام می‌دهد درحالی‌که اگر کسی دیگر جای او بود هرگز تا این حد حوصله‌مندی و دقت به خرج نمی‌داد. چون اگر کمتر هم به منابع، مآخذ و کتب مختلف مراجعه می‌کرد می‌توانست سخنش را به‌ما مدلل سازد درحالی‌که امیر حسن عابدی براساس شیوه یک محقق واقعی به جای اقناع خواننده بیشتر به اقناع خود توجه دارد. او تا زمانی‌که موضوع برای خودش به مرحله اثبات و یقین نمی‌رسید هرگز دست از تحقیق و تفحص برنمی‌داشت.

تعداد مقالات ادبی فارسی امیر حسن عابدی نزدیک به سیصد مقاله است. شاید به قول دکتر علی‌رضا قزوه مدیر مرکز تحقیقات فارسی رایزنی سفارت ایران در دهلی این مقالات به تناسب سه هزار مقاله‌ای که دکتر ایرج افشار نوشته بی‌نهایت اندک باشد ولی باید متوجه باشیم که همین مجموع اندک مقالات امیر حسن عابدی از دو جهت حایز اهمیت است، اول اینکه زبان مادری امیر حسن عابدی فارسی نیست و بعد هم در کشور زادگاهش زبان فارسی اصلاً رایج نیست و زبان فارسی برای حکم زبان کاملاً بیگانه را دارا هست چون کمتر محقق قادر به نوشته به مقاله علمی به‌زبانی غیرزبان مادری خویش هست. آنهم مقاله‌ای مطابق با معیارهای علمی و تحقیقی امروزین. همین امر

هست که امیر حسن عابدی را شخصیتی ممتاز و متفاوت از دیگران برای ما می‌سازد. حال اگر دکتر ایرج افشار سه‌هزار مقاله در ایران نوشته، بیشتر آنها را به‌زبان مادری‌اش نوشته است.

دقت و باریک‌بینی امیر حسن عابدی از جمله موضوعاتی است که کمتر می‌شود انگشت انتقاد به‌کارهای تحقیقی او گذاشت و ایرادی را به‌آن وارد ساخت. در کنار اینکه وی صاحب صدها مقاله دیگر به‌زبانهای اردو، هندی و انگلیسی است که همه از امتیازات کارهای تحقیقی برخوردار است.

لازمه یک محقق واقعی صداقت، حوصله‌مندی، دانش، تبحر و بالاتر از همه داشتن عشق و علاقه به‌موضوع مورد تحقیق است. اینها لازمه واقعی برای یک محقق واقعی علمی- ادبی است. امیر حسن عابدی همه اینها را یکجا دارا بوده است. او با استغنائی ذاتی‌اش هرگز نمی‌خواست در برابر دیگران داشته‌هایش را، دانش و کارکردهایش را به‌رخ دیگران بکشد. همین است که از وی انسانی شریف، درست و بزرگواری هم در هندوستان و هم در خارج از هندوستان ساخته است.

برای اینکه جایگاه واقعی امیر حسن عابدی را در عرصه تحقیق علمی و ادبی و عشق و حوصله‌مندی او در این راستا که خیلی سخت و دشوار هم بوده نشان دهیم به‌نمونه‌های از کارهای تحقیقی او اشاراتی گذرا می‌نماییم. تا نشان دهیم چقدر وی در مقام یک محقق علمی ادبی جهت موضوعات مورد نظر دقت و وسواس داشته است.

طبعاً زبان فارسی زبان دوم امیر حسن عابدی بوده است و خواهی نخواهی مشکلات و ناهنجاری خاص خود را داشته است. برای هرکسی که زبان نوشتاری‌اش زبان دوم بوده، این مشکل وجود داشته است. امیر حسن عابدی هم از این قاعده مستثنی نیست. چه بسا در کاربرد جملات فارسی او مشکلات ادبی و دستوری هم داشته باش. مثلاً در جای او این‌گونه می‌نویسد:

”در ادبیات فارسی اسم باربد به‌طور یک سمبل درآمده است و این نام را شعرا و نویسندگان هند در ادبیات و نثرهای خود گنجانده‌اند“<sup>۱</sup>.

۱. حدیث موسیقی در ادبیات فارسی هند، ص ۳.

دیده می‌شود که این جمله از استحکام لازم برخوردار نبوده ضعیف و سست می‌باشد. مخصوصاً جای که می‌گوید: ”در ادبیات و نثرهای خود گنجانیده‌اند“ وقتی ادبیات ذکر می‌شود شکل عام را داشته شامل همه گونه‌های ادبی اعم از نثر و نظم هست و نیازی به ذکر نثر نیست آنهم به شکل جمع.  
یا:

”اما اگر در موسیقی ما سعی و تحقیق شود ممکن است در سرزمین‌های آسیای میانه به نامهای دیگری باقیمانده باشد“<sup>۱</sup>.

یا باز در همین مقاله:

”اندکی برنیامد که از ترکیب آوازاها و سرودهای خود را با نواها و الحان هندی نغمات و سرودهای جدید به‌ظهور آوردند“<sup>۲</sup>.

این قسمت هم مشکلات خود را داشته از نظر دستوری و نحوی خالی از مشکل نیست. یا جایی باز در همین مقاله می‌نویسد:

”وی فقط در شعر دسترسی کامل نداشته، بلکه در علم فن موسیقی هم کمال داشته است“<sup>۳</sup>.

در این جای نیازی نیست وقتی علم به‌کار رفته، فن را هم به‌کار برد چون یکی از این دو کافی است و علم فن نیست و فن علم نه. درکنار آنکه در هر دیدگاهی که باشیم که موسیقی را علم به‌حساب بیاوریم و یا فن.

باز در جای دیگر در همین مقاله:

”ولی امرای وی این فن را حفظ کردند و از آن سرپرستی نمودند“<sup>۴</sup>.

یا: ”به‌دستور راجه مان سینگ حاکم گوالیار توسط استادان برجسته به‌زبان هندی تألیف گردید امروز معدوم است“. که مشکل معنایی و هم گاه دستوری را می‌توان در آن مشاهده کرد.

۱. حدیث موسیقی در ادبیات فارسی هند، ص ۲.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۶.

۴. همان، ص ۲۰.

و یا در مقاله «شاهنامه و هند» به این جمله برمی‌خوریم:  
 «روابط هند و ایران از زمان قدیم مستحکم بوده و اقوام آریایی هردو کشور را  
 زینت و بها داده است»<sup>۱</sup>.

هم مشکل معنایی دارد و هم دستوری.

به این ترتیب می‌توان موارد بیشتری را از این دست ذکر کرد. ولی از آنجا که جز  
 بحث مقاله هُذا نیست از آن صرف نظر می‌نماییم. شاید علت این مشکل عدم مراجعه  
 مجلد نویسنده به اصل مقاله در هنگام چاپ و یا عدم دقت مدوّن مقاله بوده است.  
 ولی از آنجا که بحث اصلی ما در زمینه تحقیق و جایگاه امیر حسن عابدی در این  
 زمینه است، به حق باید اعتراف کرد که او حق مطلب را در جایگاه یک محقق به‌وجه  
 احسن و اکمل انجام داده‌اند. به‌شیوه یک محقق خبره و آگاه. اندک افرادی به‌خود این  
 حوصله را روا می‌دارند که در مسائل تحقیقی این همه حوصله‌مندی و دقت به‌خرج  
 دهند. برای اینکه موضوع آتی را بخوبی نشان دهیم به نمونه‌های چند از این محقق  
 خوب اشاره می‌نماییم تا نشان دهیم که او در تحقیق مسایل علمی و ادبی از چه شیوه و  
 روشی استفاده می‌کرده است.

در جایی که امیر حسن عابدی به‌ذکر کلمه بارید می‌پردازد، به فرهنگ‌های دم دست  
 و کتبی که در هر جایی می‌توان به آن دسترسی داشت مراجعه نمی‌کند بلکه بیشتر  
 به فرهنگ‌های قدیمی و دور از دسترس مراجعه نموده، از زبان آنها نقل قول قول  
 می‌نماید. این کار او بیشتر نشانگر عمق دقت او در مسایل تحقیقی است. گاه از  
 فرهنگ‌های نام می‌برد که برای یک محقق امروز زبان و ادبیات فارسی تقریباً نامانوس و  
 ناشناخته می‌باشد. مثلاً او از فرهنگ جهانگیری، مویده‌الفضلاء، آندراج، آصف‌اللغات،  
 مدارالافاضل و غیره نام می‌برد که همه اینها نشاندهنده این است که او به‌یکی دو  
 فرهنگ جدید و دم دست مراجعه نکرده حتی اغلب به فرهنگ‌های مراجعه نموده، که  
 بعضاً تا امروز چاپ تصحیح نشده‌اند و به‌شکل نسخ خطی در کتابخانه دور افتاده دور  
 از نظر همگان در گوشه‌ای افتاده‌اند.

۱. شاهنامه و هند، ص ۲۹.

بیان یکی از موضوعات بسیار زیبا در مقالات و آثار امیر حسن عابدی ذکر شرح و تفصیل موضوعات و حواشی است که با دقت نظر و عمق موضوع مخاطب را از هر جهتی اقناع نموده، نشانگر آگاهی و فضل نویسنده است. به خوبی می شود فهمید که او به اصل مطلب اشراف کامل دارد.

گاه وسعت مراجعه به نمونه های متخلف شعری و کتب گوناگون خواننده را به تعجب و امیدوار می دارد که او تا چه حدی حوصله مندی به خرج داده، تا اینهمه مطلب را از کتب مختلف جمع آوری نموده باشد.

امیر حسن عابدی بعضاً از یک موضوع ساده از چندین کتاب با نشانی کامل یاد می نماید که به ذکر موضوع پرداخته اند. این امر نشان دهنده مطالعه عمیق امیر حسن عابدی در بیان مسائل پژوهشی هست.

نمونه های شعری را که امیر حسن عابدی ذکر می نماید اغلب ناشناخته، نایاب و گمنام می باشد. این مسأله نشان می دهد که او تا چه حدی به شعرای فارسی گوی هندی آشنایی داشته، او بیشتر شعرای را برمیگزیند که ناشناخته باقیمانده، مردم کمتر با نام و نشان آنها آشنایی دارند. امیر حسن با این کار ما را با کاروانی از شاعرانی آشنا می سازد که قبلاً حتی با نام آنها هم آشنایی نداشته ایم.

امیر حسن عابدی در ذکر مآخذ دقت خاصی دارد. او برخلاف اکثریت در مسائل تحقیقی بیشتر به جزئیات می پردازد تا به ذکر مسائل کلی که شیوه آسان و قابل دسترس برای همگان است. از مزیت های مهم امیر حسن عابدی در ذکر مآخذ جدا از اینکه به زبان های مختلف توجه دارد، به وفور در یک مقاله فارسی به منابع در زبان های مختلف اشاره می نماید. گاه هم کتبی را ذکر می نماید که برای بیشترین ها تازه و نو می باشد.

مثلاً در مقاله «حدیث موسیقی در ادبیات فارسی هند» منبع خویش را این گونه ذکر می نماید:

«اولین کتاب فارسی در زمینه موسیقی هند، «غنیمة المنیه» هست که در عهد فیروز شاه تغلق در سال ۷۷۶ هـ (۱۳۷۴ م) به دستور شمس الدین ابراهیم حسن ابوراجه حاکم گجرات تألیف شد و در سال ۱۹۷۸ م به سعی و اهتمام شهاب الدین سرمدی چاپ و انتشار یافته است. او با چنین شرح و تفصیلی به ذکر مآخذ



خویش می‌پردازد و درکنار آن در پاورقی همین موضوع به‌معرفی فیروز شاه تغلق، ملک شمس‌الدین ابراهیم حسن و شهاب‌الدین سرمدی و چگونگی تألیف کتاب «غنیمة‌المنیه» می‌پردازد.

این شیوه علمی و دقت خاص امیر حسن عابدی نشان از درستی و دقت او در کار تحقیق بوده که برای خواننده و پژوهشگر امروزی جای هیچ‌گونه سؤالی را باقی نمی‌گذارد.

امیر حسن عابدی در همین مقاله «حدیث موسیقی در ادبیات فارسی هند» به‌کتبی که در زمینه موسیقی آنهم در یک دوره کوتاه نوشته شده است انبوهی از کتب را نام می‌برد که نشان از معلومات وسیع و آگاهی کامل او در زمینه موسیقی است. گاه اصطلاح تخصصی خاصی در زمینه موسیقی نام‌برده توضیح می‌دهد که برای خیلی ناشناخته و غیرقابل فهم است. شاید گروه خاص از اهل خیره و اهل فن به‌آن آشنایی داشته باشند، نه همگان.

امیر حسن عابدی در همین مقاله به‌معرفی کتب موسیقی در در یک دوره خاص این‌گونه می‌نویسد:

”پادشاهان این سلسله، نوابان و راجه‌های هند از فن موسیقی هند سرپرستی نموده، آن را زنده و جاوید داشته‌اند. از میان کتابهای بی‌شماری که در این موضوع تألیف و تصنیف گردیده است می‌توان از اصول نفحات آصفی، نادرات شاهی، مرآت آفتاب نما، خلاصه‌العیش عالم شاهی، مفتاح‌السرور، معرفة‌النغم، شمس‌الاصوات، ذکر مغنیان هندوستان بهشت نشان، رساله در علم موسیقی تألیف درویش علی چنگی خانی، نغمات‌الاسرار، تألیف میرزا احمد بن میرزا محمد، رساله موسیقی متبع‌الطالبین و راگ و راگنی نام می‌برد.“

او تمام کتب فوق را در پاورقی نوشته‌هایش به‌تفصیل شرح می‌دهد که نشان از تجرّ و مطالعه عمیق او در این موضوع است. چیزی که برای همه ما تقریباً ناشناخته می‌باشد. یا وقتی امیر حسن در همین مقاله راگ هندی و گونه‌های آن را توضیح می‌دهد و نشان می‌دهد که تا چه حدی وی به‌موسیقی هندی و شیوه‌های کلاسیک آن آشنایی و وقوف کامل دارد. مثلاً:

”راگنی رام کلی، راگنی کیدارا، راگ توری، راگ بیروی، راگ مالسری، راگنی بنگالی، راگنی مارو، راگ گوری، راگ ملار، راگنی سرکلیان، و غیره معبر گونه‌های فوق در شعری که یک مصراع آن هندی و یک مصراع آن فارسی است.“  
 او در زیر هر بیت هم گونه راگ را می‌آورد که شیوه ترجیع‌بند را دارد. همه اینها نشانه دقت امیر حسن عابدی در اصول تحقیق و آگاهی و اشراف او به موضوعات مورد نظر هست.

امیر حسن عابدی جایی که در مقاله «شاهنامه و هند» چگونگی چاپ‌های متعدد شاهنامه را به شیوه یک محقق خوب نشان می‌دهد و این‌که تا چه حدی به چاپ‌های متعدد شاهنامه در هندوستان آشنایی داشته است. او با ذکر چاپ، محل چاپ و سال و شناسه چاپ کتاب اشراف کامل و خوب دارد.

مثلاً او در این زمینه، این‌گونه می‌نویسد:

”هند افتخار دارد که همه متون مهم کلاسیک به‌ویژه شاهنامه فردوسی را برای اولین بار در دنیا به چاپ رسانده است. کاپیتان ترینر مکن مترجم رئیس ستاد ارتش هندوستان شاهنامه را با نسخه‌های متعدد و معتبر مقابله و تصحیح نموده، آن را با فرهنگ لغات نادر و اصطلاحات غریب در سال ۱۸۲۹ م در چند جلد منتشر نموده است.“

علاوه بر این به‌فرمایش آقا محمد باقر، تاجر شیرازی و به‌سعی و اهتمام کاووس صراف توسط سیدرضا بن احمد حسینی شیرازی در بمبئی در سال ۱۲۶۶ هـ ق (۱۸۴۹ م) به چاپ رسیده است.

گذشته از این در همین شهر بمبئی در سالهای ۱۲۷۲ هـ ق (۱۸۵۵-۵۶ م) و ۱۲۷۴ هـ ق (۱۸۵۷-۵۸ م) از چاپ بیرون آمده است. در مطبعه نولکشور کانپور نیز در سالهای ۱۲۹۱ هـ ق (۱۸۷۴ م)، ۱۳۱۴ هـ ق (۱۸۹۷ م)، ۱۳۲۶ هـ ق (۱۹۰۸ م)، ۱۳۲۷ هـ ق (۱۹۰۹ م) منتشر شده است.

گذشته از این در چاپخانه‌های مطبع انوار احمدی الله‌آباد، یوپی هم طبع گردیده است. نسخه‌های خطی مصور و غیرمصور بی‌شماری شاهنامه فردوسی در کتابخانه و موزه‌های هندوستان مضبوط می‌باشند. چهار نسخه خطی در کتابخانه شخصی نواب

رحمت الله خان، مزمل منزل (علیگر، یوپی) یک شاهنامه خطی مصور در انستیتوت عربی و فارسی مولانا ابوالکلام آزاد، تونک راجستان، دو نسخه شاهنامه مصور و سه غیرمصور در کتابخانه راجه محمودآباد، لکهنو، یک نسخه مصور و پنج غیرمصور در کتابخانه ندوةالعلماء لکهنو، یک نسخه خطی در دانشگاه لکهنو، دو نسخه در کتابخانه حمیدیه بهوپال، هشت نسخه خطی در خدابخش، یک نسخه در دارالعلوم، یک نسخه مصور و پنج غیرمصور در کتابخانه دولتی، نسخه‌های متعدد در آصفیه حیدرآباد، یک نسخه مصور و یک غیرمصور در قلعه سرخ دهلی، پنج نسخه خطی در موزه ملی دهلی‌نو، یک نسخه در کتابخانه شخصی عقیل محمد، دو نسخه در کتابخانه آزاد بهاون، نه نسخه خطی در کتابخانه مجموعه تونک، دو نسخه در کتابخانه تیپوسلطان، چهار نسخه در کتابخانه صولت رامپور، یک نسخه در گجرات، دو نسخه مصور و دو غیرمصور در موزه آلور یازده نسخه مصور و غیرمصور در کتابخانه رضا رامپور، یک نسخه مصور و یک غیرمصور در کتابخانه ایشیاتیک سوسایتی بنگال، شش نسخه مصور و یک غیرمصور در دلگشا شمشیرخانی، چهار مصور در سالارجنگ، چهار نسخه مصور و یازده نسخه غیرمصور در دانشگاه اسلامی علیگر، سه نسخه غیرمصور در کتابخانه ملّا فیروز، یک نسخه غیرمصور در کتابخانه جامعه ملیّه اسلامیّه دهلی‌نو وجود دارد.<sup>۱</sup>

امیر حسن عابدی به ترتیب اهمیت از نسخ شاهنامه نام می‌برد که در کتابخانه‌ها و موزه و محل‌های مختلف در هندوستان وجود داشته و این شیوه درس دهی او نشان از آگاهی و عمق کامل مطالعه در زمینه تحقیق به حساب می‌رود. ضمن اینکه همه موارد را با شرح و تفصیل در حواشی کتاب‌ها و مقالات خود ذکر می‌دهد.

در یک کلام امیر حسن عابدی در جایگاه یک محقق خوب و توانمند آگاهی کامل از اصول تحقیق داشته و با دقت و حوصله‌مندی کار خویش را به‌انجام می‌رساند طوری که برای خواننده و مخاطب خود جای هیچ سؤالی را باقی نمی‌گذارد.

۱. حدیث موسیقی در ادبیات فارسی هند، ص ۲۱.